

جستجو Site

ورزش / گوناگون

هنر / سینما، تئاتر، موسیقی

تغذیه، بهداشت، محیط
زیست

سیاسی، اجتماعی، زنان

ادبیات و فرهنگ

[Home](#) < هنر / سینما، تئاتر، موسیقی < [کمانی دیگر](#)

کمانی دیگر

آرین شجاعی

09-04-2008

[برای دوستان](#)
[چاپ](#)


«در زمان پادشاهی [منوچهر بيشدادی](#)، در جنگی با [توران](#)، [افراسیاب](#) سپاهیان [ایران](#) را در [مازندران](#) محاصره می کند. سرانجام منوچهر پیشنهاد صلح می دهد و تورانیان پیشنهاد آشتی را می پذیرند و قرار بر این می گذارند که کمانداری ایرانی بر فراز [البرزکوه](#) تیری بیاندازد که تیر به هر کجا نشست آنجا مرز ایران و [توران](#) باشد. آرش از پهلوانان ایران داوطلب این کار می شود. به فراز [دماوند](#) می رود و تیر را پرتاب می کند. تیر از صبح تا غروب حرکت کرده و در کنار رود [جیحون](#) یا [امودریا](#) بر درخت گردویی فرود می آید. و آنجا مرز [ایران](#) و [توران](#) می شود. پس از این تیراندازی آرش از خستگی می میرد. آرش هستی اش را بر پای تیر می ریزد، پیکرش پاره پاره شده و در خاک ایران بخش می شود و جانش در تیر دمیده می شود. مطابق با برخی روایت ها [اسفندارمذ](#) تیر و کمانی را به آرش داده بود و گفته بود که این تیر خیلی دور می رود ولی هر کسی که از آن استفاده کند، خواهد مرد. با این وجود آرش برای فداکاری حاضر شد که از آن تیر و کمان استفاده کند.



بسیاری آرش را از نمونه‌های بی‌همتا در اسطوره‌های جهان دانسته‌اند، وی نماد جانفشانی در راه میهن است. جشن تیرگان به یاد آرش برگزار می‌شود. *

در این بزنگاه تاریخ ایران، که ژاژخایان برایمان فیلم‌هایی سیصدگون می‌سازند، باجخواهان دریای خزر و خلیج فارس را وجه معامله‌ی خرده حمایتشان قرار می‌دهند، تاراجگردان مولانا را غیر ایرانی می‌خوانند و کج کوچک فکران از هیچ تلاشی در جهت تخریب هویت ایرانی فروگذار نمی‌کنند، شاید من و تو را ای هموطن، کمانی دیگر باید!

کمان ما این بار، نه از جنس پولاد که از جنس بینش است. تیرمان ار چه تعیین کننده مرزهای جغرافیایی ایران و توران نیست، اما بی‌گمان درگشایش مرزهای فرهنگی ایران نقشی بس پر اهمیت ایفا خواهد کرد. در زمانه‌ای که از خاوران تا باختران همه ملت‌ها رنگی در رنگین کمان زیبا و متنوع جامعه جهانی نهاده‌اند، نشان ما ایرانیان پیدا نیست. نشانی که پندار و گفتار و کردار نیکمان را نمایان سازد و جهانیان را میهمان کند به نوشیدن قدحی از شراب ناب فرهنگ و ادب ایران.

تابستان امسال تورنتو، این شهر به حق چندگون فرهنگی، شاهد نمایش صلابت فرهنگ ایران زمین خواهد بود. همداستانی موسیقی، تئاتر، رقص، هنرهای تجسمی و ادبیات میهمان در جشنواره‌ای که به مناسبت جشن باستانی تیرگان برگزار می‌گردد، فوزانی است با صدای زیبا و شیوای هنر، که بودنمان را به سزاوارترین شکل ممکن به ملل دیگر نشان خواهد داد.



یکی بود یکی نبود که توسط انجمن فرهنگی هنری ایرانیان مقیم کانادا و به همت بیش از دویست نفر برگزار می‌شود، در نوع خود منحصر به فرد است. تک تک نخبگان در حوزه‌های مختلف، گرد هم آمدند تا آثار برجسته‌شان را در یک کالبد واحد قرار دهند و جان این کالبد را در کمانی که با عشق ساخته‌اند بدمند.

حضور بزرگانی چون عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی، رخشان بنی‌اعتماد، سعید شنبه‌زاده، آیدین آغداشلو، شاهرخ مشکین‌قلم، غلامحسین نامی، سهیل پارسا، محمد رضا لطفی، ناصر تقوایی، آثارزنده‌یاد مرتضی ممیز، جعفر والی و ده‌ها تن دیگر از هنرمندان صاحب نظر کشورمان، که بردن نام تک تکشان در این نوشته میسر نیست، بی‌شک مهر تضمینی است بر کیفیت این کار کارستان!

این گردهمایی بی‌نظیر از هفدهم تا بیستم ژوئیه در محوطه باز مرکز هارپورفرانت با مساحتی بیش از چهل هزار متر مربع و بازدیدکنندگان تخمینی یکصد هزار نفر روی خواهد داد. توضیح یکایک برنامه‌ها از حوصله این نوشته خارج است. شایسته است علاقمندان برای دریافت اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی (www.tirgan.ca) رجوع کنند. در اینجا صرفاً به تشریح کلی برنامه‌ها بسنده می‌کنیم:

موسیقی از قدیمی ترین هنرهای بشری است و ملت ایران هم از دیر باز توجهی خاص به آن داشته است. اجرای سبکهای گوناگون موسیقی همچون پاپ، فولکلور، اصیل، تلفیقی و ... متضمنان است که نسلهای مختلف با سلیق متفاوت، با جشنواره ارتباط برقرار کنند. در عین اینکه وجود پیشکسوتان در این فستیوال غنیمت شمرده شده است، زمینه حضور نسل جوان با سیاق خاص موسیقایی اش نیز فراهم گشته است تا آنان را مجالی باشد برای بیان حرفی تازه.

در قسمت سینما و تئاتر، اجراهای متعددی از نمایش های ایران باستان و همچنین تئاتر معاصر انجام خواهد شد.

سخنرانی و برپایی کارگاه های سینمایی از جمله کارهایی است که دست اندرکاران برجسته هنر هفتم، به آنها می پردازند. سینمای نوین ایران که در سالهای اخیر به بلوغی وصف ناشدنی رسیده است، برگی برنده در این جشنواره به حساب می آید.

در حیطه هنرهای تجسمی، آثار درخشان بیش از چهل هنرمند در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. افزون بر این، با برگزاری یک مسابقه جذاب و هیجان انگیز به داوری ده تن از برترین هنرمندان حوزه عکاسی و طراحی، کارهای جوانان مقیم تورنتو مورد قضاوت قرار می گیرد.

ادبیات سرزمین ما، درختی است غنی و پویا که در طول قرون متمادی نقشی محوری در همه شاخه های هنری داشته و چون آینه ای تمام عیار، زندگی و تاریخ و احوال ما ایرانیان را در خود منعکس کرده است. مباحثه و سخنرانی و کتابخوانی در این همایش را چیره دستان ادب ایران بر عهده خواهند داشت.

شاید بتوان زبان روان رقص راصمیمی ترین روش برقراری ارتباط میان آدمیان نامید. رقصهای متنوع که به وسیله اساتید مطرح در سطح بین المللی، کورئوگرافی شده است، شور و طرب خاصی به تماشاگران می بخشد.

آشنا ساختن کودکان با گوشه های شیرین فرهنگ ایرانی، رسالتی است که در خارج از کشور بیش از داخل بر دوش بزرگسالان سنگینی می کند. این جشنواره چنین امکان بی نظیری را فراهم می سازد که فرزندی که در فضای دور از وطن بال و پر می گیرند، با افتخار بیاموزند که از چه تباری هستند و همزمان سرگرم و شاد باشند.

تزیین محوطه هاربور فرانت، وجود غرفه های عرضه صنایع دستی و توزیع غذاهای ایرانی، از جمله تدابیری هستند که برای تداعی کردن فضای سنتی ایرانی اندیشیده شده اند.

به گفته دکتر محمد اسلامی ندوشن «ایرانی یک بار سنگین فرهنگ بر پشت دارد که به آسانی نمی تواند خود را از آن جدا کند. این فرهنگ تنها کتابها و بناها و ظرفهایی که از زیر خاک بیرون می آیند و قالیها و الجان موسیقی نیست، بل که فرهنگ بسیار غنی عامه نیز هست که عبارت باشد از قصه ها و ترانه ها و آداب و رسوم و مثلها تا برسد به نوع تفکر و شیوه زندگی.»

برگزار کنندگان جشنواره، با شناخت ادبیات عامیانه و قصه ها و ترانه های فولکلور، به خوبی توازن بین قطعات سنگین هنری و برنامه های پر مخاطب و سرگرم کننده را برقرار کرده اند. این چنین است که **یکی بود یکی نبود** با در داشتن طیف گسترده ای از برنامه های گوناگون توانسته است بر مشکل همیشگی تضاد بین مخاطبین خاص و عام نایل بیاید.

اگر چه نخستین هدف این حرکت عظیم، شناساندن عمق و غنای فرهنگ و هنرمان به دیگران به شمار می آید، اما شاید وقت آن رسیده باشد که ما ایرانیان نیز بند از

بند و تار از پود میراث فرهنگیمان را با درایتی بیشتر حلاجی کنیم. تنها چنین راهی منتهی به این خواهد شد که در درون مرزهای ایران جوانان فرزانه به خودباوری رسیده و در برون بوم ایران حرفی برای گفتن داشته باشیم.

نکته حائز اهمیت اینکه برای ایجاد یک گفتمان فرهنگ محور و تثبیت جایگاهی در سطح جهان یک اتفاق کافی نیست. **یکی بود یکی نبود** هم قرار نیست یک اتفاق باشد. این یک جاده است که با کیاست تمام باید آن را پیمود. ایستگاه اول **زیر گنبد کبود** نام گرفت که موفق شد در مارس ۲۰۰۶ نوروز را چون طرحی نو در فضای فکری کانادا در اندازد و گلی برافشاند که هنوز هم بویش همگان را مست می کند.

اکنون در آستانه ایستگاه دوم، با استفاده از تجربیات قبلی، بودجه ای چند برابر و برنامه هایی بسیار جامع تر، زمینه های عبور از این گذرگاه با قدرت هر چه تمام تر مهیا شده است. ادامه این مسیر که تنها ره توشه اش عشق وطن است، آرام آرام نقش ایرانیان را در خاطره ذهن ها پررنگ و پررنگ تر خواهد ساخت و یادگاری خواهد شد که در این گنبد دوار بماند.

در این راه پر فراز و فرود، تا کنون بسیاری همسفر شده اند. گروه زیادی داوطلب کمک در اجرای برنامه گشته اند. تعداد کثیری با حمایت های مادی شان، شالوده این بنای بزرگ را راست قامت نگه داشته اند و دیگرانی هم به صورت افتخاری ساعتی طولانی از وقت هفتگی خود را به برنامه ریزی برای این حرکت شکوهمند اختصاص داده اند.

همراهی قوی جامعه ایرانی، تنها رمز موفقیت جشنواره است. به مدد پشتیبانی های سخاوتمندانه صاحبان سرمایه بخش عمده برنامه ها به صورت رایگان به سمع و نظر شرکت کنندگان خواهد رسید. حامیان مالی این برنامه، نه تنها گامی مفید در جهت اشاعه فرهنگ خود برمی دارند، بل که با هم قطار شدن با برگزار کنندگان برنامه، نام خود و یا شرکت تجاری خود را به نیکی در افکار عمومی حک خواهند کرد.

یکی بود یکی نبود به راستی گوهری است رخشان، تا ما ایرانیان ایمان بیاوریم که با هم آوایی با یکدیگر می شودستون به سقف آسمان فرهنگ و ادب و وطن زد، در فراسوی افکار و عقاید و گرایشات و اختلافات، در کنار هم ایستاد و نغمه ای موزون سر داد تا گوش فلک این طرفه بشنود که هر ایرانی یک آرش است.

* ویکی پدیا

منبع: حسن پیرنیا، داستان های ایران قدیم

www.TIRGAN.ca

About Us

Powered by: PHPCow.com